



نبرد ساسانیان و بیزانس

The Battle of Heraclius and Khusrow, Piero della Francesca, Italy, 1447-66.

تابلویی از نبرد ساسانیان (خسرو) و بیزانسیان (هراکلیوس)، نگهداری شده در کلیسای سن فرانچسکو ایتالیا

تلاش می‌کرد تا نگاهی جهانی به وقایع داشته باشد و غیر از امت مسیحی و مؤمن، به نقل تاریخ دیگر ملل دنیا، هر چند موجز و مختصر بپردازد. با وجود این، نبود گزارشی مفصل از فتح ایران از سوی مسلمانان در منابع بیزانسی باقی مانده، قابل تأمل است. در اکثر قریب به اتفاق تواریخ بیزانسی، اعم از تواریخ کلیسایی و حتی غیر کلیسایی همچون تتوفیالکت سیموکاتا^{۳۱} آخرین وقایع مهم در ارتباط با ایران، نبردهای خسرو پرویز و هراکلیوس است که شرح و توصیف شده‌اند.

در همین هنگام، رویدادنامه نویسی^{۳۲} در بیزانس به یکی از سبک‌های غالب در تاریخ‌نگاری کلیسایی تبدیل شد. در رویدادنامه‌های کلیسایی، وقایع سال به سال جهان از آفرینش دنیا^{۳۳} تا زمان خود مؤلف به نگارش درمی‌آمد. برخلاف روش‌های مورخان کلاسیک در مباحث عمیق تاریخی برای یافتن علل رخدادها، رویدادنامه نویسان از روش بسیار ساده و عوامانه‌ای در نگارش وقایع پیروی می‌کردند. به عنوان مثال تتوفانس اقرارکننده، در رویدادنامه خود، دلیل شکست بیزانس از مسلمانان و سپس شکست از بلغارها را خواست خداوند و تعدد گناهان مؤمنان دانسته است.^{۳۴} دگازنده در ادامه، این رویدادنامه را به طور مختصر معرفی کرده و بخش‌هایی از آن را ترجمه می‌کند که در آن به فتوح مسلمانان در ایران اشاراتی شده است.

+

تتوفانس اقرارکننده^{۳۳}

تتوفانس اقرارکننده^{۳۴} (۷۵۸-۸۱۷ م.) یکی از رویدادنامه نویسان برجسته بیزانس است که از سوی هر دو کلیسای کاتولیک و ارتودوکس به مقام قدیمی نائل آمد. مهم‌ترین اثر وی رویدادنامه‌ای است که در واقع ادامه رویدادنامه گئورگ سونکلوس^{۳۵} است. رویدادنامه تتوفانس با امپراتوری دیوکلتیان^{۳۶} (۲۸۴ م.) از نقطه‌ای که گئورگ سونکلوس نیمه‌کاره رها کرده بود آغاز شده و تا زمان امپراتور معاصر خود، لئوی پنجم^{۳۷} (۸۱۳-۸۲۰ م.) را شامل می‌شد.^{۳۸} در واقع، در سنت رویدادنامه نگاری بیزانسی، ادامه

تحریر رویدادنامه‌های نیمه‌کاره امری بسیار رایج به شمار می‌رفت. رویدادنامه تتوفانس نه تنها از جهت برخی گزارش‌های هر چند مختصر و گذرایی که در باب حمله عرب‌ها به ایران ساسانی ارائه می‌دهد جالب توجه است بلکه از آنجایی که همسایه شرقی بیزانس زمان او، خلفای عرب مسلمانانی هستند که ابتدا از مدینه و سپس از دمشق و بغداد مزاحمت‌هایی برای امپراتوری بیزانس ایجاد می‌کردند، روایت‌های جالب و حائز اهمیت نیز از جهان اسلام به دست می‌دهد. به عنوان نمونه، در ذیل وقایع سال ۶۳۰ میلادی به مرگ محمد (ص)، فرمانروای عرب، اشاره کرده و سپس به نسب‌شناسی و قبیله‌وی، قریش، پرداخته است. ازدواج محمد (ص) با خدیجه، سفرهای تجاری اش به فلسطین و مصر و آشنایی با عقاید مسیحیان و یهودیان در این سفرها، دیدار با جبرئیل و معرفی همسرش به عنوان نخستین ایمان آورنده به پیامش، از دیگر نکات جالب توجه این رویدادنامه به حساب می‌آیند. از دیگر وقایع برجسته تاریخ اسلام در این رویدادنامه می‌توان به قتل عثمان بن عفان به دست مردم مدینه و جنگ داخلی میان معاویه بن ابوسفیان با علی (ع)، داماد محمد (ص)، شورش خوارج، خلافت عبدالملک بن مروان، شورش خراسانی‌ها در پارس علیه مروان خلیفه به رهبری ابومسلم و خلافت هارون الرشید اشاره کرد.

در مجموع، می‌توان گفت سکوت منابع تاریخی بیزانس در باب فتح ایران به دست عرب‌ها ناشی از دو علت است: نخست، این سکوت به دوران تاریک امپراتوری بیزانس که از قرن هفتم تا نهم میلادی به طول انجامید، بازمی‌گردد؛ دورانی که تاریخ‌نگاری بیزانسی به دلیل تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نتیجه فتوح عرب‌ها در سرزمین‌های بیزانس، حملات اسلاوها و... روی به افول نهاده بود و تا اواخر قرن هشتم میلادی نه تنها گزارشی در باب حمله عرب‌ها به ایران، که به طور کلی هیچ گزارش تاریخی‌ای از این دوره ثبت و ضبط نشده است. دوم، سنت‌های تاریخ‌نگاری کلاسیک و میراثی که این سبک برای تاریخ‌نگاری کلیسایی برجای گذاشت. در این سبک «بربرهای» تواریخ کلاسیک تبدیل به کافران و غیرمسیحیانی